



گذار از اندیشه سیاسی به الگوی کشورداری اسلامی

گفت‌وگو با **حجت‌الاسلام والمسلمین ارسطا**

مسعود بن‌دار

محمدجواد ارسطا متولد ۱۳۴۴ در کرمانشاه، در زمینه مسائل سیاسی و حقوقی از منظر فقه پژوهش می‌کند و حدود بیست سال است که در دانشگاه باقر العلوم به تدریس حقوق و علوم سیاسی اشتغال دارد. او عضو شورای فقهی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس است و «تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی-حقوقی» از جمله مهم‌ترین آثار اوست. با وی درباره چگونگی گذار از اندیشه‌های سیاسی انتزاعی به الگوهای عینی کشورداری به گفت‌وگو نشستیم. ارسطا معتقد است که آموزه‌های اسلام به یک سری کلیات درباره مبانی نظام سیاسی محدود نمی‌شود بلکه سبب کشورداری اسلامی نیز در منابع دینی به طور مشروح و مفصل بیان شده و اساساً سبک کشورداری باید از نظریه سیاسی استخراج شود؛ ضمن آن که می‌توان از تجربیات دیگران در این زمینه تحت عناوینی مانند سیره عقلاء بهره جست.

آیا در متون دینی، در رابطه با فقه سیاسی، صرفاً یک سلسله بایدها و نبایدها وجود دارد که این بایدها و نبایدها نمی‌توانند به‌طور مشخص یک نظریه سیاسی منسجمی را بسازند و یا اینکه یک نظریه سیاسی منسجمی راجع به حکومت دینی از منابع دینی می‌توان استخراج کرد؟

ما می‌توانیم از متون دینی یک نظریه سیاسی منسجم راجع به چگونگی تشکیل حکومت و اداره آن استخراج بکنیم. شاهد بنده برای این مطلب آن است که روایاتی که در باب اداره حکومت داریم، اولاً از نظر حجم بسیار زیاد است. یکی از این روایات، نامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه به نام عهدنامه مالک‌اشتر است که خودش به تنهایی حجم معتنا بیهی دارد. علاوه بر این، روایات متعددی دیگری هم در این زمینه داریم که برخی از نویسندگان معاصر آن‌ها را استخراج کردند. به‌عنوان مثال، می‌توان به کتاب «سیاست‌نامه امام علی(ع)» مراجعه کرد که کتاب قطوری است و حدود ۵۰۰ صفحه دارد و فقط مباحثی راجع به نحوه اداره حکومت توسط امیرالمؤمنین(ع) در این کتاب بیان شده و به اصطلاح صرفاً از نگاه روایی به این مسئله پرداخته است. می‌شود به کتاب «حکومت اسلامی